

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه باقر العلوم «علیه السلام»

دانشکده: علوم اجتماعی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: فلسفه علوم اجتماعی

عنوان:

بررسی مفهوم و معیار صدق از منظر حکمت صدرائی

و دلالت‌های آن در علوم اجتماعی

استاد راهنما

دکتر حمید پارسانیا

استاد مشاور

دکتر نصرالله آقاجانی

نگارش

مهدی امامی

1392

قال رسول الله «صلى الله عليه وآله وسلم»:

(فا ابنتى فاطمة فمى سیده النساء العالمین من الاولین والآخرین)

ثم التفت الى على «عليه السلام» قال:

(يا على ان فاطمة بضعة منى ونور منى وثمره فوادى يسونى ماسانها ويسرنى ماسرئ)

(جمار الاذرع 37، ص 85، رويت 52 از باب 50)

تقديم به صدقة كبرى حضرت فاطمه زهرا «سلام الله عليهما»

تقدیر و تشکر

سپاس خدای را که سخنوران، در ستودن او بماند و شمارندگان، شمردن نعمت های او ندانند و کوشندگان، حق او را گزاردن نتوانند. و سلام و دورد بر محمد و خاندان پاک او، طاهران معصوم، هم آنان که وجودمان و مدار وجودشان است.

به مصداق «من لم یسکر المخلوق لم یسکر الخالق» شایسته است از جناب آقای دکتر حمید پارسا نیا که زحمت راهنمایی این رساله را بر عهده گرفتند و همچنین از جناب آقای دکتر نصرالله آقا جانی که به عنوان اسامی مشاور زحمت مشاوره این رساله را متقبل شدند تقدیر و تشکر نمایم.

چکیده

تطورات علم و نظریه‌های اجتماعی حقیقتی است که با اندک تأملی تصدیق می‌شود. مفهوم و معیار صدق به قدری مهم است که اندک تغییری در آن‌ها علم را زیر و زبر می‌کند. رئالیسم تنگ‌نظرانه، رئالیسم آشفته، ایدئالیسم و رئالیسم انتقادی «بسکار» مکاتب اجتماعی است که همه متأثر از عناصر صدق است. رویکرد جدلی علم در غرب موجب شده است مفهوم و معیار صدق در این مکاتب دچار چالش‌های جدی باشد. تنها مکتبی که توان ارائه‌ی معرفت‌شناسی صحیح و جامع را دارد رئالیسم انتقادی حکمت صدرائی است. صدرا با ارائه‌ی تقریر صحیح از مفهوم و معیار صدق به بسیاری از نظریاتی دست یافت که قبلی‌ها به آن نرسیده بودند. تغییر در مبادی و علم اعلی امکان بلکه ضرورت علم جدید را نوید می‌هد؛ از این رو مفهوم و معیار صدق از منظر حکمت متعالیه زمینه‌ی تحوّل در علوم اجتماعی را باعث می‌شود. دلالت‌های آشکار و پنهان، سلبی و ایجابی معرفت‌شناسی حکمت متعالیه در علوم اجتماعی به قدری است که تنها مکتبی که وصف رئالیسم و انتقادی را حقیقتاً دارد و همچنین توان توصیف و تبیین همه‌ی پدیده‌های خرد و کلان را دارد رئالیسم انتقادی حکمت متعالیه است.

واژگان کلیدی: رئالیسم، حکمت متعالیه، انتقادی، علوم اجتماعی، دلالت.

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات و مفاهیم.....	5
1- کلیات.....	6
1-1- بیان مسئله.....	6
1-2- پرسشهای تحقیق.....	7
1-3- اهمیت و فایدهی تحقیق.....	8
1-4- پیشینه تحقیق.....	9
1-5- فرضیه تحقیق.....	10
1-6- پیشفرضهای تحقیق.....	10
1-7- روش تحقیق.....	10
1-8- هدف تحقیق.....	10
1-9- ساختار تحقیق.....	11
2- چهارچوب مفهومی.....	12
2-1- مفهوم.....	12
2-2- صدق.....	12
2-3- رئالیسم انتقادی.....	13
2-4- حکمت صدرائی.....	14
2-5- دلالت.....	15
2-5-1- دلالت عقلی.....	16
2-5-2- دلالت طبعی.....	16
2-5-3- دلالت وضعی.....	16
2-6- علوم اجتماعی.....	18
2-7- معرفت شناسی.....	19

فصل دوم: عناصر صدق و تأثیر آن در علوم اجتماعی غرب. **Error! Bookmark not defined.**

1- عناصر صدق..... **Error! Bookmark not defined.**

1-1- تعریف معرفت..... **Error! Bookmark not defined.**

2-1- امکان معرفت..... **Error! Bookmark not defined.**

3-1- مفهوم صدق..... **Error! Bookmark not defined.**

1-3-1 نظریه مطابقت. **Error! Bookmark not defined.**

2-3-1 نظریه انسجام. **Error! Bookmark not defined.**

3-3-1 نظریه عمل گروانه. **Error! Bookmark not defined.**

4-1- ساختار توجیه و ملاک عقلانیت. **Error! Bookmark not defined.**

1-4-1 نظریه مبنای گروی. **Error! Bookmark not defined.**

2-4-1 نظریه انسجام گروی. **Error! Bookmark not defined.**

5-1- منابع معرفت..... **Error! Bookmark not defined.**

2- تأثیر عناصر صدق در نظریه‌های اجتماعی. **Error! Bookmark not defined.**

1-2- رئالیسم تنگ نظرانه..... **Error! Bookmark not defined.**

2-1-1-2 کنت و جامعه شناسی پوزیتویستی **Error! Bookmark not defined.**

not defined.

2-1-2 مارکس و جامعه شناسی انتقادی **Error! Bookmark not defined.**

defined.

2-1-2-3 وبر و جامعه شناسی تفهیمی **Error! Bookmark not defined.**

defined.

2-2- رئالیسم آشفته..... **Error! Bookmark not defined.**

2-2-1-1 مکتب کنش متقابل نمادین **Error! Bookmark not defined.**

defined.

2-2-2-2 روش شناسی مردم نگر **Error! Bookmark not defined.**

defined.

2-2-3-2 جامعه شناسی ساختارگرا **Error! Bookmark not defined.**

defined.

2-3-2-3 ایدئالیسم..... **Error! Bookmark not defined.**

2-3-1-1 جامعه شناسی پدیدارشناختی **Error! Bookmark not defined.**

defined.

2-3-2-2 پساساختارگرایی. **Error! Bookmark not defined.**

2-4-2 رئالیسم انتقادی..... **Error! Bookmark not defined.**

جمع بندی..... **Error! Bookmark not defined.**

فصل سوم: مفهوم و معیار صدق از منظر رئالیسم انتقادی حکمت صدرایی **Error! Bookmark not defined.**

not defined.

1- جایگاه نظریه صدرا در مسائل روشی و معرفتی. **Error! Bookmark not defined.**

1-1- نقش ارسطو در سیر معرفت. **Error! Bookmark not defined.**

1-2- نقش بوعلی در سیر معرفت. **Error! Bookmark not defined.**

1-3- نقش شیخ اشراق در سیر معرفت. **Error! Bookmark not defined.**

1-4- صدرا و تحول حکمت..... **Error! Bookmark not defined.**

2- عناصر صدق از منظر صدالمآلهین... **Error! Bookmark not defined.**

1-2- تعریف معرفت..... **Error! Bookmark not defined.**

2-2- امکان معرفت..... **Error! Bookmark not defined.**

2-3- انطباق نظریه انتخابی صدرا. **Error! Bookmark not defined.**

2-3-1- تمایز مفهوم صدق با حق **Error! Bookmark not defined.**

defined.

2-3-2- اشکال بر نظریه انطباق **Error! Bookmark not defined.**

defined.

2-3-3- اقسام معرفت. **Error! Bookmark not defined.**

2-3-4- رابطه تصدیق و قضیه **Error! Bookmark not defined.**

defined.

2-3-7- نفس الامر. **Error! Bookmark not defined.**

2-4- معیار صدق..... **Error! Bookmark not defined.**

2-5- منابع معرفت..... **Error! Bookmark not defined.**

3- اعتباریات و مفهوم و معیار صدق در آنها. **Error! Bookmark not defined.**

1-3- ضرورت بحث اعتباریات... **Error! Bookmark not defined.**

2-3- تعریف اعتباریات..... **Error! Bookmark not defined.**

3-3- رابطه اعتباریات با «باید و نباید». **Error! Bookmark not defined.**

3-4- مفهوم و معیار صدق در اعتباریات. **Error! Bookmark not defined.**

فصل چهارم: دلالت‌های صدق از منظر حکمت صدرائی در علوم اجتماعی **Error! Bookmark not defined.**

not defined.

1- انواع دلالت..... **Error! Bookmark not defined.**

1-1- دلالت آشکار و پنهان..... **Error! Bookmark not defined.**

- 2-1- دلالت منسجم (مکمل) و دلالت غیر منسجم (مخرّب) **Error! Bookmark not defined.**
- 3-1- دلالت یقینی، دلالت ظنی و دلالت وهمی **Error! Bookmark not defined.**
- 4-1- دلالت ایجابی و سلبی **Error! Bookmark not defined.**
- 2- دلالت‌های سلبی مفهوم و معیار صدق از منظر رئالیسم صدرائی **Error! Bookmark not defined.**
- 1-2- رئالیسم تنگنظرانه در ترازوی نقد حکمت صدرائی **Error! Bookmark not defined.**
- 2-2- رئالیسم آشفته در ترازوی نقد حکمت صدرائی **Error! Bookmark not defined.**
- 3-2- ایدئالیسم در ترازوی نقد حکمت صدرائی **Error! Bookmark not defined.**
- 4-2- رئالیسم انتقادی روی بسکار در ترازوی نقد حکمت صدرا **Error! Bookmark not defined.**
- 3- دلالت‌های ایجابی صدق از منظر رئالیسم صدرائی در علوم اجتماعی **Error! Bookmark not defined.**
- 1-3- روش تحقیق در علوم اجتماعی **Error! Bookmark not defined.**
- 1-1-3- ریشه مفهوم حق و باطل **Error! Bookmark not defined.**
- 2-1-3- مفهوم حجت، معیار استفاده از قضایای ترکیبی **Error! Bookmark not defined.**
- 3-1-3- تبیین و پیشبینی از منظر حکمت صدرایی **Error! Bookmark not defined.**
- 2-3- نقش استعاره‌ها در تفسیر، تبیین و انتقاد **Error! Bookmark not defined.**
- 3-3- رابطه علم و ارزش از منظر رئالیسم حکمت صدرایی **Error! Bookmark not defined.**
- 4-3- جامعه توحیدی مهمترین مسئله علوم اجتماعی **Error! Bookmark not defined.**
- 1-4-3- بداهت نظریه ولایت فقیه در حکمت صدرایی **Error! Bookmark not defined.**
- 5-3- عقلانیت ذکی حلقه مفقوده‌ی ارتباط فاعل و فعل **Error! Bookmark not defined.**

Error! Bookmark 3-6- تسری برخی از احکام وجود حقیقی به وجود اعتباری **not defined.**

Error! Bookmark not defined.....نتیجه گیری و پیشنهادات

Error! Bookmark not defined.....فهرست منابع

فصل اول: کلیات و مفاهیم

1- کلیات

مراد از کلیات تحقیق اموری است که در تمام مراحل تحقیق جریان داشته و فرایند آن را راهبری می کند.

1-1- بیان مسئله

از جمله مباحث بنیادی هر علم که هم در ماهیت و هم در موجودیت آن تأثیر بسزایی دارد مباحث معرفت شناسی آن علم است. علم تا در مقام عمل و یا نظر، مفهوم و معیار صدق خود را مشخص نکند اساساً امکان رشد بلکه امکان موجود شدن ندارد. در هر علمی عالم باید معیاری برای شناخت و استنتاجات خود داشته باشد هرچند این معیار به صورت ارتکازی و بر مبنای منطق تکوین باشد.

بدیهی است که هر نظام معرفتی، دلالت‌ها و پیامدهای خاص خود را به دنبال دارد و مبتنی بر آن مسائل و علوم خاصی شکل می گیرد. همانگونه که شیخ الرئیس در کتاب برهان شفا تصریح کرده است همیشه مبتنی بر علم اعلی، علم‌های اخص ویژه‌ای شکل می گیرد¹ و مهم ترین دلیل برای امکان یک چیز، وقوع آن است. اگر در زمان رئالیسم خام، تأثیر فلسفه و مبانی معرفتی بر نظریات اجتماعی محل اشکال بود اکنون نزد اکثریت اندیشمندان اجتماعی غرب، ارتباط وثیق آن دو و تأثیر مبانی معرفتی بر نظریات اجتماعی جزء مسلمات است. این تأثیر در حکمت متعالیه نه به عنوان امر مسلّم بلکه به عنوان امر یقینی شناخته شده است. مسلمات به عنوان مبادی صنعت جدل شناخته می شود و یقینیات به عنوان مبادی صنعت برهان. امروزه در غرب اگر تأثیر حتمی فلسفه بر نظریات اجتماعی پذیرفته شده است نه با محوریت دلیل برهانی است بلکه با بررسی تاریخی تطورات علم، امری مسلّم شده است.

¹ - شیخ الرئیس ابن سینا، الشفا (المنطق)، تحقیق: سعید زاید و الأب قنواتی، قم، مکتبه آیت الله المرعشی، 1404ه.ق، ج

3، مقاله‌ی سوم، فصل هفتم، ص 163

فلسفه‌ی «کنت» جامعه‌شناسی اثبات‌گرایی، فلسفه‌ی دیلتای جامعه‌شناسی تفهیمی و فلسفه‌ی مارکس جوان جامعه‌شناسی انتقادی را پدید آورد. هریک از این اقسام از منظری به جامعه نظر کرده و به تبیین، توصیف و یا داوری درباره‌ی هنجارهای موجود جامعه می‌پردازد. با این حال هر یک از آنها از مشکلی رنج می‌برد و قادر به پرداختن به حوزه‌ای از پدیده‌های اجتماعی نیست. نگاهی گذرا به فلسفه و تاریخ علم این مطلب را اجمالاً ثابت می‌کند که همیشه نظریات جدید رابطه‌ی نزدیکی با فلسفه‌ی علم و مبانی معرفتی دارد و بسیاری از تحولات علوم تابع تحولات مبانی معرفتی و تغییر نگاه در فلسفه‌ی علم و معرفت‌شناسی است.

یکی از مکاتب بسیار مهم و تأثیر گذار مکتبی است که پایه گذار آن آخوند ملا صدرا شیرازی است. مفهوم و معیار صدق از منظر رئالیسم انتقادی حکمت صدرائی مسلماً دلالت‌هایی را در علوم مختلف از جمله علوم اجتماعی خواهد داشت. این دلالت‌ها می‌تواند به صورت دلالت‌های سلبی و یا ایجابی، آشکار و یا پنهان به نقد علوم اجتماعی دیگر و همچنین به تشکیل علوم اجتماعی خاصی بینجامد. انتخاب مسائل و مهم‌تر از آن، حل آنها بر مبنای مفهوم و معیار صدق از منظر نظام حکمت صدرایی با دیگر رویکردها کاملاً متفاوت است. جامعه و نهادهای توحیدی مهم‌ترین مسائلی است که روش معرفتی صدرایی دغدغه‌ی پرداختن به آنها را دارد.

نوع نگاه به هستی، انسان، جامعه بیشترین تأثیر را در علوم اجتماعی خواهد داشت و همه در گرو مفهوم و معیار صدق است. در این خصوص اندیشمند اجتماعی با تکیه بر مبانی معرفت‌شناسی صدرا به بهترین نحو می‌تواند به نظریات کاملاً منسجم و هماهنگ دست پیدا کند. مفهوم و معیار صدق از منظر رئالیسم انتقادی حکمت صدرایی عالم اجتماعی را قادر می‌سازد تا در بحث روش، نظریه‌های تبیینی، تفسیری، انتقادی، هنجاری و آرمانی را به شیوه‌ای کاملاً منسجم تولید کرده و به تحلیل پدیده‌های خرد و کلان اجتماعی بپردازد.

در این نوشتار سعی شده است با بررسی اهمیت مفهوم و معیار صدق در نظریه‌های اجتماعی و همچنین بیان دیدگاه صدرا نسبت به مقوله‌ی صدق، دلالت‌های آن در علوم اجتماعی مورد واکاوی قرار گیرد.

1-2- پرسش‌های تحقیق

پرسش اصلی:

مفهوم و معیار صدق از منظر رئالیسم انتقادی حکمت صدرایی و دلالت‌های آن بر علوم اجتماعی چیست؟

پرسش‌های فرعی:

1- عناصر صدق چیست؟

2- عناصر صدق در علوم اجتماعی چه دلالت‌هایی داشته است؟

3- مفهوم و معیار صدق از منظر حکمت صدرایی چیست؟

4- مفهوم و معیار صدق از منظر رئالیسم انتقادی صدرایی چه دلالت‌هایی را در علوم

اجتماعی به دنبال خواهد داشت؟

1-3- اهمیت و فایده‌ی تحقیق

در نیمه‌ی دوم قرن نوزدهام و با سیطره‌ی رئالیسم تنگ‌نظرانه اگرچه مباحث فلسفی از صحنه‌ی ظاهری علم حذف شد و ارزش آن در حد مهملات نازل داده شد اما مباحث شناخت‌شناسی دارای نقش محوری بود. بی‌ارزش خواندن مباحث فلسفی چیزی نبود که با گفته‌ی «کنت» پدید آید. آن چیزی که نقش اساسی را در این انحراف علمی جهان ایفا کرد تغییر مفهوم و معیار صدق بود.

هنگامی که در مباحث معرفت‌شناسی بنابر روش استعاره‌ای تنها راه رسیدن به خارج حس و تجربه معرفی می‌شود طبیعی است که نفس الامر، کوچک و بسیاری از ساحت‌های آن حذف شود. سیر علمی غرب از رئالیسم تنگ‌نظرانه تا نفی نفس الامر واحد و ایدئالیسم، گویای این حقیقت است که مفهوم و معیار صدق دارای نقش محوری در این ساحت است. اگر در فضای علم مفهوم و معیار صدق با تمام لوازم آن به درستی روشن نشود و نظام صحیحی از آن ارائه نشود چیزی جز درهم‌آمیختگی علمی و اختلاط تراوشهای ذهنی عاید انسان نمی‌شود و اساساً امکان نقد و رشد علوم گرفته می‌شود.

نکته مهم در اینجا این است که این مشکل قرار نیست به دنیای غرب ختم شود و با این گفته‌ی خام که این مشکل مال غرب است خود را به کشورهای دیگر تحمیل نکنند. مسائل علمی مالیت بردار نیستند چرا که انسان و فکر او مالیت بردار نیست. پیچیدگی این مسئله در جایی که اندیشمندان آن چنان مسحور علم غرب شده‌اند که در ظرف توهم، مشکلات علمی آنها را مشکل علم خود حساب می‌کنند دو چندان است. از همین روست که ما شاهد

مشکلات عدیده‌ای در فضای علمی کشورمان هستیم که نتیجه‌ی این مشکلات در ساحت‌های مختلف کشور به ویژه ساحت‌های مختلف فرهنگی بروز پیدا کرده است. از این بیان روشن گردید بحث از مفهوم و معیار صدق به قدری حائز اهمیت است که نسبت آن به سایر مباحث نسبت نخ تسبیح به دانه‌های تسبیح است چراکه بسیاری از مباحث علمی و غیر علمی وابسته به آن است.

1-4- پیشینه‌ی تحقیق

موضوع مورد نظر با اهمیت فراوانی که دارد اما هنوز به تفصیل، هیچ کتاب و پایان‌نامه‌ای درباره‌ی آن نوشته نشده است. کتاب‌هایی که در این ارتباط وجود دارد یا به علت کلی بودن بسیاری از ساحت‌های معرفتی را بحث نکرده‌اند و یا آنکه اساساً هیچ رویکرد اجتماعی در آنها به چشم نمی‌خورد. نمونه‌ی آن کتاب ارزشمند جهان‌های اجتماعی نوشته‌ی حمید پارسانیا (1391) است.

در این کتاب مولف محترم با رویکرد عامدانه‌ی ایجاز و پرداختن به کلیات در صدد ارائه‌ی نقشه‌ی کلی از تأثیر بنیان‌های معرفتی بر ساختار و محتوای علم برآمده است. همین رویکرد باعث شده است بسیاری از مباحث صدرا و رویکردهای معرفتی او مطرح نشود و در نتیجه دلالت‌های آن نیز مورد بررسی قرار نگیرد. کتابهای دیگری در ارتباط با قسمت اول مسئله‌ی این تحقیق یعنی مفهوم و معیار صدق از منظر رئالیسم انتقادی حکمت صدرایی به نگارش درآمده است اما همه‌ی آنها حداقل مبتلا به سه نقیصه هستند اولاً رویکرد عرفانی صدرا را در تبیین نفس الامر لحاظ نکرده‌اند، ثانیاً بحث اعتباریات که از جمله مباحث مورد نیاز امروز است یا بحث نکرده و یا به سادگی از آن گذر کرده‌اند و ثالثاً رویکرد اجتماعی در آنها لحاظ نشده است. از جمله این آثار می‌توان به کارهای ذیل اشاره کرد:

الف) خسرو پناه، عبدالحسین و پناهی آزاد، حسن. نظام معرفت‌شناسی صدرایی، (تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، 1388).

ب) جوادی آملی، عبدالله، معرفت‌شناسی در قرآن، (قم: مرکز نشر اسراء، 1379).

ج) عارفی، عباس، مطابقت صور ذهنی با خارج، (تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، 1388).

د) عسکری سلیمانی امیری، سرشت کلیت و ضرورت، (قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات

اسلامی، 1378).

ه) شریفی، احمد حسین، معیار ثبوتی صدق قضایا، (قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، 1387).

درباره‌ی موضوع این پایان‌نامه مقاله‌ی ارزشمندی با نظر به انتقاد از رئالیسم انتقادی روی بسکار در کتاب «روش‌شناسی انتقادی حکمت صدرایی» توسط حمید پارسانیا (1389) به نگارش درآمده اما به علت نگاه سلبی نگارنده، بسیاری از دلالت‌های نظام معرفتی صدرایی مورد بحث قرار نگرفته است.

1-5- فرضیه‌ی تحقیق

الف) ملاصدرا تئوری جدیدی در باب مفهوم و معیار صدق ارائه کرده است.
ب) تئوری ملاصدرا در باب مفهوم و معیار صدق زمینه‌ساز تحول در علوم اجتماعی می‌شود.

1-6- پیش‌فرض‌های تحقیق

الف) تمام نظریات علمی بر معنای خاصی از مفهوم و معیار صدق استوار است.
ب) مبانی معرفتی به ویژه مفهوم و معیار صدق در ماهیت علوم اجتماعی تأثیر گذار است.

1-7- روش تحقیق

اولین قدم برای این تحقیق گردآوری اطلاعات و نظریات گوناگون درباره‌ی عناصر صدق است. این مهم از طریق آثار و متون فلاسفه و در رأس آنها متون صدرا و همچنین دانشمندان علوم اجتماعی انجام خواهد شد. هنگامی که نظریات کشف و مستند گردید از طریق روش تحلیل عقلی به تجزیه و تحلیل آنها پرداخته خواهد شد. از آنجا که هر تجزیه و تحلیلی باید با تکیه بر بنیان‌هایی و از یک منظری صورت گیرد؛ از این رو در این تحقیق از منظر رئالیسم انتقادی حکمت متعالیه این روش تکمیل می‌شود.

1-8- هدف تحقیق

هدف از بررسی مفهوم و معیار صدق از منظر حکمت متعالیه آن است که دلالت‌های پنهان و آشکار آن را در علوم اجتماعی بررسی کنیم. یقیناً بررسی تمام دلالت‌ها در همه‌ی ابعاد چیزی نیست که از این تحقیق انتظار رود. هدف آن است که به صورت مستدل و برهانی نشان

داده شود که علوم اعلی و بنیان‌های معرفت‌شناختی تأثیر مستقیمی بر علوم اجتماعی خواهد داشت. به تعبیر بهتر امید است این تحقیق زمینه‌ای برای بررسی ظرفیت‌های جامعه‌شناسی و دیگر علوم اجتماعی از منظر صدرا باشد. با رسیدن به این هدف می‌توان افق‌های جدیدی را در تولید علوم انسانی اسلامی نظاره کرد.

1-9- ساختار تحقیق

عناصر صدق از مهم‌ترین مبانی معرفتی است که در تولید علم بسیار دخیل است. بسیاری از تطورات علم ناشی از دگرگونی از تغییر در عناصر صدق است. این نکته ما را وادار می‌دارد تا در فصل دوم به عناصر صدق و تأثیر آن در علوم اجتماعی بپردازیم. در این فصل نشان خواهد داده شد که چگونه عناصر صدق در تطورات نظریه‌های اجتماعی تأثیر گذار بوده به گونه‌ای که ریشه‌ی بسیاری از تغییر و دگرگونی نظریه‌ها مفهوم و معیار صدق است.

فصل سوم به بررسی مفهوم و معیار صدق از منظر رئالیسم انتقادی حکمت صدرایی اختصاص خواهد داشت. هدف این فصل معرفی نظریات حکمت متعالیه در عناصر صدق است. فهم درست جایگاه حکمت متعالیه و تعریف او از عناصر صدق و همچنین فهم رویکرد حکمت متعالیه در اعتباریات از اهداف فصل سوم خواهد بود.

هنگامی که نظریات صدرا به درستی توصیف شد این امکان برای ما وجود خواهد داشت که دلالت‌های آن را در علوم اجتماعی بررسی کنیم. بررسی پیامدها و لوازم منطقی عناصر صدق می‌تواند در دو رویکرد سلبی و ایجابی بروز و ظهور یابد. در رویکرد سلبی بیشتر به دنبال نقد مکاتب اجتماعی غرب به ویژه رئالیسم انتقادی روی بسکار خواهیم بود و در رویکرد ایجابی برخی از ظرفیت‌های علوم اجتماعی صدرایی را نشان خواهیم داد.

با این توضیحات مشخص می‌شود این تحقیق در چهار فصل تنظیم شده است:

1- کلیات تحقیق و مفاهیم.

2- عناصر صدق و تأثیر آن در علوم اجتماعی.

3- مفهوم و معیار صدق از منظر رئالیسم انتقادی حکمت صدرایی.

4- دلالت‌های مفهوم و معیار صدق از منظر رئالیسم انتقادی حکمت صدرایی در علوم

اجتماعی.

2- چهارچوب مفهومی

گرچه بررسی همه‌ی مفاهیمی که در این تحقیق به کار می‌رود کاری سخت و دشوار است اما می‌توان به برخی از آنها که در چهارچوب آنها تحقیق به سامان می‌رسد اشاره کرد:

2-1- مفهوم

هنگامی که از مفهوم سخن می‌رود معنای لغوی آن به ذهن متبادر می‌شود. مفهوم به معنای ما يُفهم است یعنی آنچه که با شنیدن یک لفظ در ذهن می‌آید و از آن معنایی فهم می‌شود. به عبارت دیگر مفهوم به معنای تصور ذهنی است که از سنخ علم حصولی است و از چیزی حکایت می‌کند. از این رو مفهوم صدق در حقیقت یعنی تعریف صدق. یعنی آن چیزی که با شنیدن واژه‌ی صدق ذهن به تعریف آن رهنمون می‌شود.

2-2- صدق

اگرچه تصور مفهوم صدق در برخورد ابتدائی ساده به نظر می‌رسد اما با توجه به مقام‌های مختلف و با توجه به مبانی مختلف معانی متفاوتی پیدا کرده است. نکته‌ی بسیار مهم آن است که به قدری معانی رایج صدق در دنیای اسلام و غرب با هم تفاوت دارند که بررسی آن نشان از یک خطای راهبردی در مسئله‌شناسی، توسط مجامع دانشگاهی ما دارد. در دنیای اسلام هنگامی که از صدق، سخن می‌رود معمولاً سه معنا را در ذهن متبادر می‌سازد: (1) صدق یعنی مطابقت گفتار با قوانین خداوند. (2) صدق یعنی مطابقت گفتار با اعتقاد. (3) صدق به معنای مطابقت قضیه با نفس الامر.¹

در دنیای غرب به علت تحولات فکری و رفتاری و سیر إلى الظلمات، غالباً در مباحث معرفت‌شناسی سه معنا را برای صدق ذکر می‌کنند: (1) صدق یعنی مطابقت قضیه با خارج. (2) صدق یعنی مطابقت گزاره با عمل (عمل‌گرایی). (3) صدق یعنی مطابقت قضیه با انسجام حاصل از سایر قضایا (انسجام‌گروی).

در این تحقیق هنگامی که از صدق یاد می‌شود مراد، مطابقت قضیه با نفس الامر است یعنی همان معنایی که نزد حکمای اسلامی از جمله ملا صدرا رایج است. معانی دیگر صدق یا مربوط به بحث نیست و یا آنکه پس از بررسی مورد نقد خواهد گرفت.

¹ سعد الدین تفتازانی، شرح المختصر، قم، اسماعیلیان، 1389، صص 42-43

2-3- رئالیسم انتقادی

رئالیسم غالباً در مقابل ایدئالیسم به کار می‌رود. رئالیسم در مباحث فلسفی به مکتبی اطلاق می‌شود که قائل است واقعیتی ورای ذهن عالم وجود دارد و ذهن قدرت شناخت آن را دارد. واقعیت به تغییر شناخت عالم متغیر نمی‌شود و دارای ثبات است. در علوم اجتماعی نیز رئالیسم کاربرد دارد و حتی نظریه‌ای تحت عنوان «نظریه رئالیستی علم»^۱ توسط روی باسکار در سال 1975 انتشار یافت. رئالیسم در این نظریه دو بار معنایی را دربر دارد. یکی به معنای پذیرش حاکی از تسلیم است یعنی جهان خارج وجود دارد و در برابر خواسته‌هایمان مقاومت می‌کند. و دیگری به معنای مخالفت با پذیرش حاکی از تسلیم است یعنی انسان می‌تواند واقعیت‌های نارضایت بخش را تغییر دهد. هر دو معنا به صورت مستقل، قبل از این نظریه نیز وجود داشت. اولی در جنبش اتحادیه‌ی کارگری انگلستان با عنوان «رئالیسم جدید» که حاکی از شکست‌های گسترده در سال‌های 1980 با کارفرماها دارد و دومین معنا در مکتب نقاشان ویکتوریایی بریتانیا که به «رئالیست‌های اجتماعی» شهرت داشتند.^۲ واژه انتقادی که به عنوان وصف رئالیسم قرار گرفته است واژه‌ای است نوظهور. به عبارت دیگر این وصف در نزد بسیاری از فلاسفه حتی ملاصدرا کاربردی نداشته است. اما با توجه به ظهور اندیشه‌هایی مثل مکتب فرانکفورد که انتقادی از مشخصه‌های فکری آن به شمار می‌رود و یا رئالیسم انتقادی روی باسکار که برخاسته از دل مکتب فرانکفورد است؛ این وصف، نشان از این حقیقت دارد که فلسفه‌ی صدرا بهتر از هر فلسفه‌ی دیگری انتقادی است و یا بالاتر از این تنها جامعه‌شناسی انتقادی، جامعه‌شناسی صدراپی است.

اتصاف حکمت متعالیه به وصف انتقادی دقیقاً نمی‌تواند به همان معنای فرانکفوردی‌ش باشد؛ مخصوصاً اگر این انتقاد به معنای انتقاد درونی باشد.^۳ یاد کردن رئالیسم صدراپی به رئالیسم انتقادی اگرچه ابتدا قدری چالش‌برانگیز است اما با توجه به حقیقت رویکرد رئالیسم انتقادی چالش مذکور مرتفع می‌شود. روح و حقیقت رئالیسم انتقادی را دو رکن تشکیل می‌دهد: یکی تأکید بر قدرت انسان در شناخت و آگاهی از واقعیت و دیگری قدرت انسان نسبت

¹ Realist theory of science

² تد بتون و یان کرایب، فلسفه علوم اجتماعی بنیادهای فلسفی تفکر اجتماعی، ترجمه‌ی شهناز مسمی پرست و محمود متحد، چاپ اول، تهران، دفتر نشر آگه، 1384، صص 224-225

³ ایون شرت، فلسفه علوم اجتماعی قاره‌ای، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی، 1387، ص 280

به قضاوت و تغییر وضع موجود.¹ با توجه به مباحث آینده، این تحقیق درصدد بیان این مطلب است که تنها با مبنای صدرا است که می توان به حقیقت رئالیسم انتقادی دست یافت.

2-4- حکمت صدرائی

در حوزه فرهنگ اسلامی، پیش از صدرالمتهلین، در باب اهم مسائل مطرح در فلسفه (و یا هستی شناسی) با سه نگرش متفاوت روبرو هستیم: نگرش فلسفی، نگرش عرفانی و نگرش کلامی، به تعبیر دیگر، پیش از صدرالمتهلین (979 ه.ق) با سه جهان بینی مغایر مواجه ایم: جهان بینی فلسفی، جهان بینی عرفانی و جهان بینی کلامی.

جهان بینی فلسفی محصول عقل است، هم پایه و اساس آن و هم روش تحقیق و نحوه-ی گسترش آن عقلی است. این جهان بینی با تکیه بر گزاره های بدیهی در قالب استنتاج های منطقی، و به اصطلاح به روش برهانی، فراهم آمده است.

جهان بینی عرفانی حاصل کشف و شهود است. عارف حقایقی را شهود می کند و با علم حضوری آنها را میابد. هنگام قطع شهود معارفی را که اکنون دیگر به علم حصولی تبدیل شده پایه و اساس قرار می دهد و به روش عقلی و یا ذوقی به بسط و تفسیر آنها و استنتاج از آنها می پردازد.

جهان بینی کلامی به زعم متکلمان، حاصل نقل است. وظیفه متکلم دفاع از آموزه های اعتقادی دین است که در قرآن و روایات به آنها تصریح شده است و او برای ادای وظیفه به هر وسیله ای تمسک می کند، هم به عقل هم به نقل، و همچنین او برای نیل به مقصود هر روش مفیدی را به کار می گیرد، هم روش برهانی و هم روش جدلی را.

جهان بینی فلسفی خود دارای دو مشرب مشائی و اشراقی است که بزرگ ترین و دقیق ترین فیلسوف مشائی ابن سینا است و بزرگ ترین فیلسوف اشراقی شیخ شهاب الدین سهروردی است.

پس به بیان دقیق تر بنا بر آنچه گفته شد پیش از آخوند ملاصدرا در باب نگرش به هستی و پاسخ به سوال های هستی شناختی، با چهار جهان بینی منازع روبرویم: جهان بینی فلسفی مشائی، جهان بینی فلسفی اشراقی، جهان بینی عرفانی و جهان بینی کلامی.

در نزاع بین این چهار جهان بینی با نوشته شدن کتاب تجرید الکلام توسط خواجه

¹ بتون و کرایب، فلسفه ی علوم اجتماعی، ص 225

نصیرالدین طوسی نزاع بین فلسفه و کلام خاتمه یافت اما نزاع بین مشاء و اشراق و عرفان هنوز ادامه داشت و میانجی می طلبید. خیلی ها خواستند این نزاع را بردارند ولی هر کدام دارای اشکالات علمی خاص به خود بود تا رسید به مرحوم ملا صدرا و حکمت او به نام حکمت متعالیه. حکمت متعالیه، مانند نظام مشائی و نظام اشراقی دوره ای کامل از فلسفه است شامل مباحثی در الهیات عام و الهیات خاص و علم النفس، اما فصل ممیز حکمت متعالیه روش بحثی صدرا و مطرح کردن مسئله ی اصالت وجود و اعتباریت ماهیت و تکیه خاص بر آنها در حل بسیاری از مشکلات فلسفه است. این مسئله (و یا به تعبیری تفکیک دقیق بین امور ذهنی و واقعیات خارجی) در این نظام حکمی، شاه کلیدی است که صدرالمتالهین با آن بسیاری از قفل های نگشوده ی فلسفه را گشود و در پرتو آن در زمینه های بسیاری توفیق یافت. اما اینکه روش صدرا در دستیابی به این توفیقات چه بوده است امری است که در فصل سوم به آن خواهیم پرداخت.

2-5- دلالت

مراد از دلالت، لوازم و پیامدهای یک شیء است. در علم هنگامی که یک نظریه ای تولید می شود به میزان جایگاه و اهمیت آن ممکن است تأثیراتی را بر نظریات دیگر و یا حتی علوم دیگر بگذارد. این نکته به ویژه در مسائل بنیادی بسیار آشکار است به حدی که از حد امکان فراتر رفته و ضرورتاً تأثیر خود را بر علوم اخص نمایان می سازد.

مسائل بنیادی هر علم عبارت اند از جهان شناسی، معرفت شناسی و روش شناسی. اگر در جایی انسان شناسی نیز مطرح می شود از باب جهان شناسی است که به علت تسامح و یا اهمیت آن جداگانه ذکر می شود. انسان چیزی جدای از جهان و وجود نیست بلکه او نیز جزئی از هستی است. مسائل بنیادی به قدری مهم هستند که با تغییر هر یک از آنها علوم متفاوت و یا جهان های اجتماعی متفاوتی را خلق می کنند. حقیقت دوران تجدد و رنسانس غرب به تغییر مبانی معرفتی و مسائل بنیادی آن است. اگرچه گروهی از اندیشمندان غرب اهمیت این مسائل را نادیده و یا انکار می کردند اما بسیار از دلالت ها تابع نیات کنشگرها نیست. دلالت های پنهان بسیاری وجود دارد که خود را در ساحت های مختلف علمی و اجتماعی نشان داده اند با وجود آنکه یا مقصود کنشگر نبوده است و یا حتی با قصدی در تضاد آنچه به فعلیت رسیده است انجام شده است. در سال های اخیر حتی در غرب نیز این مسائل شناخته شده است و بر

اهمیت آن تأکید می‌شود اگرچه این شناخت و این تأکید در بین اندیشمندان مسلمان و یا یونان تازگی ندارد. یکی از سؤالهای مهم این تحقیق آن است که با پذیرش مبنای صدق صدرا چه پیامدهایی نصیب علوم اجتماعی خواهد شد.

این معنای از دلالت غیر از معنای دلالت در کتابهای منطقی است. در علم منطق از دلالت، معنای «بودن شیء به گونه‌ای که از علم به آن علم به شیء دیگر حاصل شود» قصد می‌شود. در این تعریف شرط دلالت آن است که ذهن بدون هیچ واسطه‌ای به وسیله‌ی دالّ به چیز دیگری منتقل شود. دلالت با این تعریف و با توجه به نحوه‌ی ارتباط دال و مدلول به سه قسم تقسیم می‌شود:

۲-۵-۱- دلالت عقلی

به دلالتی گفته می‌شود که اتصال دالّ و مدلول در آن ذاتی باشد. منظور از ذاتی این است که از خارج دال و مدلول چیزی واسطه‌ی ارتباط آن دو نشده و نفس دال و مدلول به هم چسبیده‌اند. اتصال ذاتی در رابطه‌ی علی و معلولی شکل می‌گیرد. ذات علت اقتضای معلول را دارد؛ پس اگر رابطه‌ی دو شیء علی و معلولی باشد و یا آنکه هر دو معلول علت واحدی باشند و این رابطه در ذهن رسوخ کرده باشد در این صورت دلالت یکی بر دیگری عقلی است.

۲-۵-۲- دلالت طبعی

به دلالتی گفته می‌شود که منشأ رابطه‌ی دالّ و مدلول طبع حیوانی باشد. مثلاً درست است که انسان بدون هیچ واسطه‌ای از قرمزی صورت دوستش به خجالت او منتقل می‌شود اما رابطه‌ی بین دال و مدلول ذاتی نیست؛ پس اگر بین این دو ارتباطی هست به خاطر طبیعت بدن است. به همین دلیل است که در طبیعت دیگری ممکن است شخصی به خاطر خجالت زرد شود و یا اصلاً متغیر نشود.

۲-۵-۳- دلالت وضعی

به دلالتی گفته می‌شود که منشأ رابطه‌ی دالّ و مدلول وضع و قرارداد باشد. ذات لفظ سیب اقتضا ندارد که به معنای امروزی آن که یک نوع میوه است به کار برده شود می‌توانست در معنای سنگ به کار برده شود. اگر اتصال و ارتباطی بین این دو هست به خاطر این است که ما

قرارداد کرده و بر آن میثاق بسته‌ایم. پس در این دلالت گرچه انتقال بدون هیچ برهان و استدلالی صورت می‌گیرد اما رابطه‌ی دالّ و مدلول به سبب وضع است.

در ادامه منطقی‌ها دلالت وضعی را به اعتبار نوع دال به دو قسم لفظی و غیر لفظی تقسیم می‌کنند. اگر دالّ از سنخ لفظ باشد دلالت لفظی و الا غیر لفظی خواهد بود. دلالت وضعی لفظی نیز بر سه قسم است:

الف) دلالت مطابقیه:

دلالت لفظ بر تمام معنای موضوع له.

ب) دلالت تضمینیه:

دلالت لفظ بر اجزاء معنای موضوع له.

ج) دلالت التزامیه:

دلالت لفظ بر خارج معنای موضوع له. در دلالت التزامی ذهن از شنیدن لفظ علاوه بر اینکه به معنای مطابقی منتقل می‌شود به معنایی خارج از معنای موضوع له نیز منتقل می‌شود. با توجه به تعریف دلالت که انتقال باید بدون واسطه اتفاق بیفتد منطقی در اینجا شرط کرده‌اند که دلالت باید به قدری روشن باشد که به صرف آمدن معنای لفظ، معنای خارج نیز به ذهن منتقل شود. از این شرط به بین بالمعنی الاخص یاد می‌شود. مثلاً شنیدن عدد چهار همانا و انتقال ذهن به معنای زوجیت نیز همانا. از این رو دلالت چهار بر نصف هشت بودن دلالت التزامیه نیست چون با شنیدن لفظ چهار ذهن به این معنا منتقل نمی‌شود بلکه باید نصف هشت بودن نیز تصور شود و سپس بین دو معنای مذکور مقایسه شود تا سپس ذهن این رابطه را تصدیق کند.

از این توضیحات روشن می‌شود در این فصل هنگامی که از دلالت و لوازم کلام سخن می‌گوییم هیچ کدام از معانی فوق نمی‌تواند اراده شده باشد. هیچ ادعایی وجود ندارد که با صرف دانستن معنا و ملاک صدق از منظر صدرا ذهن به همه‌ی مفاهیم و قضایای لازم، منتقل می‌شود. پس مراد از دلالت و لوازم چیز دیگری است.

گاهی یک سخن، نتایجی را به همراه خود می‌آورد که نتیجه‌ی قهری و حتمی آن سخن است. به این نتایج لوازم و دلالت‌های کلام گفته می‌شود. لوازم اعراضی هستند خارج از کلام که عقل انفکاک آنها را از موضوعشان ممتنع می‌داند. این اعراض می‌توانند بدیهی و یا غیر بدیهی باشند. در غیر بدیهی هرچند ذهن برای انتقال از آنها نیاز به عملیات مقایسه و یا اقامه‌ی

استدلال با حدّ وسط مناسب دارد اما نمی توان گفت که نتیجه از نتایج و لوازم همان کلام متکلم نیست. حتی ممکن است که فردی تعریف و یا ملاکی را ارائه دهد که هرگز به لوازم قریب و یا بعید آنها توجهی نداشته است اما عقل منتظر کشف اراده‌ی آن فرد نمانده و حکم قطعی خود را صادر می کند.

در این تحقیق هنگامی که کلمه‌ی دلالت را به کار می بریم منظورمان همین معنای اخیر است که البته با معنای اول نیز جمع می شود. منظورمان از دلالت در اینجا این است که اگر کسی معرفت شناسی صدرا را قبول کرد و عناصر صدق او را به رسمیت شناخت چه لوازمی را ناگزیر است قبول کند. ممکن است این لوازم هرگز در ذهن صدرا نبوده است اما همانگونه که بیان شد انتقال ذهن به لوازم با واسطه و یا بی واسطه حتمی است. در معرفت شناسی صدرا چون عقل به رسمیت شناخته شده و در معیار صدق دخالت جدی دارد از این رو در به رسمیت شناختن نتایج علمی منتظر توافق اندیشمندان نمی شود. عقل نمی تواند چیزی را به اسم حقیقت توافقی را در بحث استلزامات قبول کند. حقیقت توافقی هابرماس برای اعتبارات و قراردادهای بشری چیز مفیدی است اما همانجا اگر اعتباری شکل گرفت لوازم آن اعتبار دیگر اعتباری نبوده و عقل حکم قطعی خود را خواهد داشت.

اینکه در حکمت متعالیه حرکت سوم فکر اضطراری است و نه اختیاری به همین معناست. نفس انسان می تواند با اختیار خود در حرکت اول به سمت معلومات حاضر در ذهن برود و سپس در حرکت دوم معلومات مناسب یقینی و یا ظنی را انتخاب کند اما همین که معلومات در هیئت صحیح ریخته شد انتاج، یقینی و حتمی است هرچند نتیجه به خاطر مقدمات ظنی، غیر یقینی باشد. بله، انسان این اختیار را دارد که به حقیقت مکشوف ایمان بیاورد یا نیاورد، زندگی خود را بر آن حقیقت استوار کند یا خیر اما تصدیق یقینی و یا ظنی به حقیقت، اختیاری نبوده و از منظر حکمت متعالیه تکلیف الهی را از او ساقط نمی کند.

2-6- علوم اجتماعی

برای علوم اجتماعی معانی مختلفی ذکر شده است که طرح تفصیلی آنها در این تحقیق ضرورتی ندارد. غالباً سه معنا را برای علوم اجتماعی بیان می کنند:

الف) گاهی لفظ مذکور را با لفظ علوم انسانی مترادف می گیرند. یعنی علوم مربوط به انسان مانند تاریخ، اقتصاد، روان شناسی و حقوق روشن است که علوم اجتماعی به این معنا، جمیع

علوم انسانی را در بر می گیرد خواه علمی که به اوضاع و احوال فردی انسان نظر دارد، مثل روان شناسی، خواه علمی که به امور و شئون اجتماعی انسان ناظر است، مانند اقتصاد و حقوق. (ب) گاهی دامنه‌ی شمول لفظ مذکور را تنگ‌تر می گیرند و آن را به معنای علوم انسانی که ناظر به امور و شئون اجتماعی انسانند به کار می برند. علمی که به همین معنا تحت علوم اجتماعی قرار می گیرد خود به دو گروه تقسیم می شود: یکی علوم توصیفی که در پی کشف تکوینات و واقعیت های زندگی اجتماعی آدمیان است مانند علم اقتصاد و جامعه‌شناسی (البته بنابر تعریف بعضی)، و دیگری علوم دستوری یا هنجاری یا ارزشی که تشریحات و ارزشهای زندگی اجتماعی را بیان می کند مانند علم حقوق و شعبه های آن.

(ج) گاهی قلمرو معنایی این اصطلاح را باز هم محدودتر می کنند و علوم اجتماعی را فقط بر علوم انسانی ای که ناظر به امور و شئون اجتماعی انسان است و علاوه بر این، جنبه توصیفی دارد و نه دستوری اطلاق می کنند مانند علم جامعه‌شناسی (بنابر تعریف اکثر جامعه شناسان).¹ مناسب‌ترین تعریف نسبت به این تحقیق این است که بگوییم علوم اجتماعی، علمی است که مربوط به شئون اجتماعی انسان است اعم از اینکه توصیفی باشند و یا هنجاری.

2-7- معرفت‌شناسی

معرفت‌شناسی که در غرب به نام نظریه‌ی معرفت² یا اپیستمولوژی³، شناخته می شود به عنوان شاخه خاصی از علوم فلسفی سابقه چندان کهنی ندارد و می توان جان لاک و لایب نیتس را نخستین کسانی دانست که مسائل معرفت‌شناسی را به طور منظم و مستقل مورد بحث قرار داده اند.⁴ از این سخن روشن می شود که قبل از جان لاک اگرچه علم مضبوطی به نام معرفت‌شناسی وجود نداشت اما مباحث آن به طور پراکنده در علمی مثل فلسفه و یا منطق مطرح می شد.

در هریک از شاخه ها و رشته های علوم بشری، با مجموعه ای از معرفتها که از قضایا تشکیل شده اند مواجه هستیم. هر پژوهشگری بحق از خود می پرسد که با چه ابزاری می توان آنها را شناخت و از چه راهی می توان به صحت یا سقم آنها دست یافت؟ آیا اصولا

¹ محمدتقی مصباح یزدی، جامعه و تاریخ، چاپ ششم، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، 1388، صص 4-5

² theory of knowledge

³ epistemology

⁴ محمد حسین زاده، معرفت‌شناسی، چاپ ششم، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، 1380، ص 15

واقعیت و حقیقتی در عالم وجود دارد؟ اگر وجود دارد آیا شناخت آن ممکن است؟ اگر شناخت واقعیات و حقایق ممکن است چگونه می توان معرفت‌های نادرست را از معرفت‌های صحیح و صادق تمییز داد؟ به دیگر سخن معیارها و ویژگی‌های صدق یا کذب، حقیقت یا خطا چیست؟ از سوی دیگر، هر تصدیق و گزاره‌ای از چند مفهوم تشکیل شده است، منشأ پیدایش این تصورات (مفاهیم) چیست؟ آیا می‌توان هر یک از تصدیقات را جداگانه مورد کاوش قرار داد و به حقیقت یا خطا بودن آنها پی برد یا باید مجموعه‌ای از باورها، احکام و قضایا را در یک شبکه بررسی نمود؟

مباحث ذکر شده مهمترین مسائل معرفت‌شناسی محسوب می‌شوند. بدین ترتیب، می‌توان معرفت‌شناسی را علمی دانست که به این گونه مباحث که اساسی‌ترین مسائل بشری‌اند می‌پردازد و درباره‌ی آنها بحث و تحقیق می‌نماید. به عبارت دیگر، معرفت‌شناسی علمی است که درباره معرفت‌های انسان و ارزشیابی انواع آنها و تعیین معیار صدق و کذب آنها بحث می‌کند. نکته‌ی بسیار مهم در این بین رابطه‌ی معرفت‌شناسی با هستی‌شناسی و روش‌شناسی (منطق) است. گاهی این رابطه به صورت اشکال مطرح می‌شود و از دوری بودن آنها یاد می‌شود. به این صورت که این سه علم متوقف بر هم هستند و حلّ مسائل هر یک بدون دیگری امکان ندارد. از این رو رابطه بین این سه علم دوری است و هر کدام نسبت به دیگری تقدم و تأخر دارد. گرچه در این مسئله آرای مختلفی است اما همان‌گونه که در فصل سوم خواهد آمد هر یک از این سه علم در بخشی از مبانی خود وام‌دار دیگری است نه اینکه در همه‌ی بخش‌ها و اجزاء، هر یک متوقف بر دیگری باشد. به تعبیر دیگر دور آنجایی باطل است که یک چیز در عین تقدم تأخر داشته باشد و در عین اینکه متوقف است متوقف علیه باشد؛ از این رو ملاک دور باطل در ارتباط این سه علم مشاهده نمی‌گردد.

ذکر این نکته از این جهت برای این تحقیق ضروری است که معلوم شود معرفت‌شناسی پیوند عمیقی با هستی‌شناسی شناخت دارد¹ از این رو طرح بعضی از مباحث فلسفی شناخت در این تحقیق، خروج از موضوع به شمار نمی‌رود بلکه حل مسائل معرفت‌شناسی بدون آنها با چالش جدی روبرو خواهد شد.

¹ عبدالله جوادی آملی، معرفت‌شناسی در قرآن، تنظیم و ویرایش: حجت الاسلام حمید پارسانیا، چاپ هفتم، قم، مرکز